

حقوق و تکالیف دولت‌ها در فضا از منظر حقوق بین‌الملل

نبی‌اله مجد*
حسن سواری**
نریمان فاخری***

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۹

چکیده

این روزها یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل تعیین حدود فعالیت دولت‌ها در پهنه بیکران فضای ماورای جو است. از این رو، هدف این تحقیق بررسی حقوق و تکالیف دولت‌ها در فضا است. نتایج این مقاله نشان داد که مدیریت فعالیت‌های حاکمیتی و استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو مستقیماً تحت تأثیر اقدامات کشورها و مجامع بین‌المللی دارد. به گونه‌ای که حاکمیت، اختیار و امتیازی انحصاری و اشتراک‌ناپذیر است و با توجه به این مسئله، اگر دولتی خود را به واسطه حاکم بودن، مالک بخشی از فضا بداند، به طور مشروع حق خواهد داشت تا مانع بهره‌برداری دیگر دولت‌ها از آن مناطق شود. به طور کلی، با وجود الزامی بودن اصول تملک‌ناپذیری و آزادی، همیشه دو مفهوم حاکمیت و آزادی از نظر اینکه در عرض یکدیگر قرار دارند، در تقابل با یکدیگرند و می‌توانند محدودکننده باشند. استفاده از فضا برای مقاصد نظامی در صورتی که بر طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل باشد، ممنوع نیست، ولی از طرفی هم تا زمان تحدید دقیق حریم هوایی و ماورای جو، اجرای اصل منع تملک با توجه به وجود اصل آزادی با مشکلات متعددی مواجه خواهد بود که از نتایج کلی این مقاله است. روش این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی بوده است.

کلیدواژگان:

استفاده نظامی، حاکمیت دولت‌ها، حاکمیت عملی، حقوق فضا، ضمانت.

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور واحد تهران، (نویسنده مسئول)
nabimajd@yahoo.com

** استادیار، حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
h_savari80@yahoo.com

*** استادیار، حقوق بین‌الملل، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور واحد تهران
ntfakheri@yahoo.com

مقدمه

حقوق هوا و فضا به عنوان جدیدترین شاخه از دانش حقوق بین‌الملل، با توسعه خیره‌کننده علمی و فنی که برای اولین بار به بشر توانایی ترک کره زمین را بخشید، پا به عرصه وجود گذاشته است. این رشته از حقوق بین‌الملل از همان ابتدای تشکیل و تکامل، با سؤالات مهم و بنیادین چندی، از قبیل تعیین مرز هوا و فضا، تعیین وضعیت حقوقی اشیای هوا فضایی و پیشگیری از گسترش مخاصمات مسلحانه به فضای ماورای جو مواجه بوده است. اما بدون تردید یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها تعیین حدود فعالیت دولت‌ها در پهنه بیکران فضای ماورای جو است. چالش مذکور از آن رو قوت می‌گیرد که اصل منع تصاحب، تملک و تصرف فضا و ممنوعیت طرح هرگونه ادعای حاکمیت بر قلمرو در معنای سنتی آن، یکی از اصول بنیادین و پذیرفته شده حاکم بر کاوش و بهره‌برداری از فضا است.^۱

در حال حاضر، حقوق بین‌الملل بر حمایت حقوق فضا و فعالیت‌های ماورای جو تمرکز نموده است. اسناد بین‌المللی (شامل معاهدات بین‌المللی، قطعنامه‌ها، کنوانسیون‌های و لوایح منعقد شده بین دولت‌ها در زمینه فضا) گوناگونی وجود دارند که مربوط به فضا و حمایت از حقوق بین‌المللی دولت‌هاست. به‌ویژه می‌توان به اسناد حقوقی یا سایر اسناد خاصی که مختص به فضاست، اشاره نمود. در ضمن، سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد، سازمان همکاری‌های اسلامی، سازمان فضایی اروپا، دیوان دادگستری بین‌المللی و دیگر سازمان‌های بین‌المللی در زمینه حمایت از فضا و حقوق آن تلاش می‌نمایند. حمایت‌هایی که در چارچوب سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌باشد، از نظر اقدامات و فعالیت‌هایی است که در خصوص حمایت از ماورای جو صورت می‌گیرند. همچنین برخی سازمان‌هایی وجود دارند که به مسئله فضا و حمایت از حقوق آن می‌پردازند. سازمان‌های بین‌المللی اعم از دولتی یا غیردولتی یا به طور کلی موضوع حقوق فضا را در کنار سایر موضوعات مورد توجه قرار می‌دهند و یا به طور خاص در چارچوب این موضوع فعالیت می‌کنند.^۲

1. Simone Tholens, Border management in an era of 'statebuilding lite': security assistance and Lebanon's hybrid sovereignty, *International Affairs*, Volume 93, Issue 4, 2017, P 869.

۲. کاظمی، حمید، بررسی موضع حقوق بین‌الملل در مورد عبور اشیای فضایی از فراز قلمرو دولت‌ها، فصلنامه علوم و فناوری فضایی، ۱۳۹۳، دوره ۳، شماره ۷، ص ۳۴.

فضای ماورا جو و فعالیت‌های دولت‌ها در این فضا از هنجارهای حقوقی بین‌المللی موضوع جدید شناخت قواعد حقوق بین‌الملل راجع به فعالیت و حرکت دولت‌ها در زمینه‌های نظامی، تسلیحاتی و اکتشافی از مرزهای بین‌المللی در طول هر سال است. موارد مطرح در این حوزه از دانش حقوق بین‌الملل شناسایی هنجارهای اعمال شده توسط مقامات دولتی هر کشور در تنظیم فعالیت‌ها، امنیت ملی، آزادی عمل، اعمال قوانین اجباری، حقوق بنیادین بشر در حوزه فضا و ایجاد آلودگی در فضا می‌شود. قواعد حقوقی مرتبط با فضا مشتمل بر معاهدات چندجانبه، توافق‌نامه‌های منطقه‌ای و حقوق بین‌الملل عرفی در این زمینه است.^۱

در زمینه حقوق بین‌المللی فضا، جمع‌آوری مطالب به زبان فارسی بسی دشوار است؛ چرا که منابع موجود در این زمینه پراکنده است و هر نویسنده‌ای از دید خود، حقوق فضا و مسائل مربوط به آن را مورد توجه قرار داده است. اگر چه حقوق فضا موضوع مورد توجه نویسندگان و مؤلفان در زمینه‌های مختلف است، این نویسندگان و مؤلفان کمتر به بررسی فعالیت‌های فضایی دولت‌ها از دیدگاه حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند. در برخی موارد نیز منابع فارسی صرفاً به ذکر برخی موارد موردی می‌پردازند یا آنکه بر جنبه‌های نظامی فضا تمرکز دارند. در واقع، بسیاری از کتاب‌های فارسی موجود در زمینه فعالیت‌های فضایی، موضوع را از زاویه بررسی علل، عوامل و پیامدهای فعالیت‌های فضایی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و به بررسی فعالیت‌های فضایی از منظر حقوق بین‌الملل نمی‌پردازند که در این مطالعه این موضوع به صورت تخصصی مورد بحث قرار می‌گیرد. پرسشی که در اینجا مطرح شده است، بیان می‌کند که دولت‌ها چه حقوق و تکالیفی در راستای اعمال صلاحیت و حاکمیت در فضا بر عهده دارند؟ برای پاسخگویی به این پرسش، این فرضیه در نظر گرفته شده است که باتوجه به اینکه حاکمیت، یک امتیاز انحصاری و اشتراک‌ناپذیر برای دولت‌هاست، بنابراین اگر دولتی در قالب حاکمیت بخشی از فضا را مالک باشد، به طور کاملاً مشروع می‌تواند مانع از بهره‌برداری دیگر دولت‌ها از آن منطقه شود. با توجه پرسش مطرح شده و در راستای اثبات فرضیه، هدف اصلی این تحقیق بررسی حقوق و تکالیف دولت‌ها در فضا است.

۱. آشوری، داریوش، *دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*، جلد ۱، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱

۱. حقوق فضایی دولت‌ها و تکالیف آنها از منظر اعلامیه‌های سازمان ملل

اهمیت استراتژیک فضا درست از زمان آغاز فعالیت فضایی شناخته شده است. در حقیقت، انگیزه رفتن به فضا این اهمیت را ایجاد کرده است. پیشرفت‌های تکنولوژی دهه ۱۹۵۰ و به‌طور خاص موشک بالستیک^۱، یک مسابقه فضایی بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق به راه انداخت که زنگ شروع آن با فرستادن اولین ماهواره ساخت بشر، اسپوتنیک ۱ در ۴ اکتبر ۱۹۵۷ نواخته شد. تنها سه ماه بعد، در ژانویه ۱۹۵۸ بود که آمریکا اولین ماهواره خود را به نام «کاشف ۱» به فضا فرستاد. اگر چه دهه ۱۹۶۰ به‌طور کلی به عنوان یک دوره افول جنگ سرد شناخته شده است، اکتشافات فضایی فصل دیگری از تحقیقات متوالی را برای نفوذ نیروهای نظامی سران جهان در آن زمان باز نمود. با وجود این، انجمن‌های بین‌المللی، به سرعت، حتی با الفاظ ابتدایی، به روند نظامی شدن فضا واکنش نشان دادند.

مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه‌های متعددی را مربوط به خلع سلاح فضای ماورای جو صادر کرد که اعلامیه اول، اعلامیه ۱۱۴۸ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۵۷ و مربوط به کاهش تسلیحات و عدم استفاده نظامی از فضای ماورای جو است. در این اعلامیه بر این اصل که باید استفاده از فضا منحصرأ برای اهداف صلح‌آمیز و علمی باشد، تأکید شده است.

اعلامیه مهم دیگر، اعلامیه مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۶۱ است. این اعلامیه از دولت‌ها می‌خواهد که فعالیت‌های فضایی آنها در چارچوب قوانین بین‌المللی موجود در فضای ماورای جو باشد و همچنین عدم تخصیص ملی در فعالیت‌های فضایی خود را رعایت نمایند.^۲ با وجود این، مهم‌ترین اعلامیه، اعلامیه ۱۹۶۲ است که به صورت اجماع توسط مجمع عمومی در ۱۳ دسامبر ۱۹۶۳ تصویب شده است.

این اعلامیه مربوط به اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های کشورها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، کره ماه و دیگر کرات آسمانی است.^۳ این بیانیه حقوقی به دنبال فراهم آوردن راهی برای چگونگی استفاده از فضا در راستای اهداف صلح‌آمیز به سود همه بشریت است. هدف

1. ICBM.

2. UNGA Res. 1721A (XVI), 20 December 1961.

3. UNGA Res. 1962 (XVIII), 13 December 1963, entitled Declaration of Legal Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space.

این بیانیه حقوقی تهیه‌ی یک راهنمای جامع برای ملزم کردن دولت‌ها برای فعالیت‌های فضایی در چارچوب قواعد ناظر بر کنترل تسلیحات است.^۱ همچنین این بیانیه ابرقدرت‌ها را تشویق به مشارکت در وضع قوانین الزام‌آور با توجه به فعالیت‌های نظامی در فضای ماورای جو کرد. فعالیت‌های فزاینده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در فضا و احساس نگرانی ناشی از آن در جامعه بین‌المللی منجر به مذاکره و تصویب پیمان ۱۹۶۷ درباره قوانین حاکم بر فعالیت‌های کشورها در اکتشافات و استفاده از فضای ماورای جو، ماه و دیگر اجرام آسمانی (معاهده فضای ماورای جو یا OST) گردید. این معاهده اولین سند الزام‌آور قانونی در آیین‌نامه فعالیت‌های فضایی است و به عنوان فرمان کبیر قانون فضا در نظر گرفته می‌شود.^۲

۲. حاکمیت فضا

۲.۱. حاکمیت فضایی دولت‌ها در اسناد حقوقی

چهارم اکتبر سال ۱۹۵۷، اسپوتنیک، اولین ساخته دست بشر در مدار زمین قرار گرفت و همین واقعه سرآغازی بود بر پیدایش عصر فضا. این ماهواره برای قرار گرفتن در مدار موردنظر از فراز قلمرو چندین کشور در فضای ماورای جو عبور کرد. اما هیچ‌یک از این کشورها به این مسئله اعتراض نکردند. پس از آن و در سال‌های بعد، پرتاب‌های متعددی توسط شوروی و ایالات متحده به همین ترتیب صورت گرفت. در این موارد نیز دولت‌ها هیچ‌گونه اعتراض یا مخالفتی با عملکرد این دو کشور از خود نشان ندادند. به این ترتیب، هرچند بنا به دلایل امنیتی، حاکمیت ملی در قلمرو هوایی رو به بالا امتداد یافته است، چنین حاکمیتی به وضوح در ارتفاع معینی بر فراز زمین خاتمه می‌یابد. عملکرد کشورها در سال‌های پس از آغاز عصر فضا نشان می‌دهد که کشورهای دارای فناوری فضایی حق دارند سفینه‌ها و وسایل حمل‌ونقل فضایی خود را از فراز مرز دیگر کشورها عبور داده، در مدار قرار دهند.^۳

1. Kries, W.V, (1991), *Die militärische Nutzung des Weltraums, in Karl-Heiz Bockstiegel and Marietta Benko (eds), Handbuch des Weltraumrechts*, Koln, Carl Heymanns Verlag, p. 329.

۲. آشوری، داریوش، پیشین، ص ۷۳.

۳. نواده توپچی، حسین، *حقوق بین‌الملل فضا*، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۶۸.

ممنوعیت ادعای حاکمیتی در فضای ماورای جو دارای دو وجه قابل تمایز از هم است: وجه نخست، توقف حاکمیت دولت‌ها در ارتفاعی معین از سطح زمین و پایان قلمرو هوایی آنان است که در بند قبل، صرف‌نظر از معضل تعیین مرزبندی میان هوا و فضا مورد اشاره قرار گرفت. وجه دوم، غیرمجاز بودن طرح ادعاهای حاکمیتی بر سطح کرات و اجرام آسمانی در معنای اکتساب سرزمین از طرق مختلف است.^۱

به نظر می‌رسد این شق دوم بیشتر مورد توجه اسناد حقوق فضا قرار گرفته است و بعید نیست که هدف اصلی از تدوین ماده ۲ معاهده فضای ماورای جو نیز برقراری نظام منع تملک ملی دولت‌ها در همین معنای دوم باشد. این نظر از آن رو قوت می‌گیرد که برخی طرقی که در متن ماده صراحتاً از مصادیق «ادعاهای حاکمیتی» به شمار آمده و ممنوع اعلام شده است (بهره‌برداری و اشغال)، بیشتر در مورد اجرام آسمانی مصداق دارد تا فضای میان کرات آسمانی. رویه تثبیت شده قدرت‌های فضایی در سازمان‌های فضایی نیز حاکی از این است که برخلاف قلمروهای سرزمینی، هیچ دولتی نمی‌تواند بخشی از فضای ماورای جو، شامل ماه و سایر اجرام آسمانی را تحت کنترل حاکمیتی خود درآورد یا آن را به عنوان بخشی از سرزمین خود محسوب کند. با این توضیح که در تحلیل نهایی، هدف از درج این نکته تضمین استفاده صلح‌آمیز از ماورای جو شامل ماه و سایر اجرام آسمانی و فراهم کردن امکان کاوش و بهره‌برداری از این گستره است.^۲ بدیهی است، صرف طرح ادعای مالکیت از سوی یک دولت و مخالفت احتمالی دولت یا دولت‌های دیگر با آن می‌تواند باعث ایجاد تنش در روابط بین دو یا چند دولت شود.

۲.۲. اعمال حاکمیت بر اشیای فضایی در هوا و فضا

فضایما از نظر فیزیکی وسیله‌ای فضایی است که پرواز با آن هم در هوا و هم در فضا امکان‌پذیر است. در این مفهوم، هوا مکانی است که معمولاً در آن هوا یافت می‌شود. بنابراین، اتمسفر در هوا وجود دارد و هوافضا با اتمسفر مربوطه هم‌زیستی پیدا کرده است. در مقابل، فضای ماورای جو به معنای فضایی میان سیارات و ستارگان، ماورای اتمسفر مربوطه است. البته باید

۱. کاظمی، حمید، بررسی موضع حقوق بین‌الملل در مورد عبور اشیای فضایی از فراز قلمرو دولت‌ها، فصلنامه علوم و فناوری فضایی، ۱۳۹۳، دوره ۳، شماره ۷، ص ۳۹.

2. Hobe, S, "Cologne Commentary on Space Law", *Karl Heymanns Verlag*, Vol 1, 2009, P. 53.

توجه داشت همان‌طور که قبلاً بیان شد، تعیین خط مشخص بین اتمسفر سرزمینی و فضای ماورای جو در میان ژئوفیزیک‌دانان محل بحث است و هنوز هم آنها به نتیجه‌ی واحدی دست نیافته‌اند؛ به‌طوری که برخی از آنها شک دارند که این مرز قابل‌تعیین باشد.^۱ برای شناسایی وضعیت حقوقی فضاپیما می‌توان به مباحث مربوط به مرز میان هوا و فضای ماورای جو رجوع کرد. هوا را به هوای فوقانی سرزمین و هوای بالای دریای سرزمین دولت‌ها و هوای بالای مناطق بدون صاحب تقسیم کرد. برای این سه منطقه می‌توان فضای ماورای جو را نیز در نظر گرفت. با وجود این، ضرورتی ندارد که فعالیت‌های فضاپیماها را وابسته به تعریف و مرز میان هوا و فضا قرار داد. در این ارتباط کل محدوده پروازی در دو طبقه قرار می‌گیرند:

محدوده پروازی ملی: محدوده پروازی ملی محدود به هوای ملی هر سرزمین است.

محدوده هوایی پرواز آزاد: محیط پرواز آزاد به مناطقی از فضا اشاره دارد که وابسته به حاکمیت ملی نیست و امروزه، شامل فضای هوایی دریای آزاد، فضای هوایی بالای سرزمین‌های بلاصاحب و فضای ماورای جو سرزمینی می‌شود.

هیچ دولتی در زمان صلح نمی‌تواند صلاحیت خود را در فضای پرواز آزاد بر وسیله پروازی بدون رضایت یا اغماض دولت متبوع آن اعمال کند. البته در مواردی همچون دزدی یا به دلیل دفاع مشروع، این اعمال صلاحیت امکان‌پذیر است. بنابراین، اگر بالن، راکت، ماهواره یا وسیله فضایی از یک سرزمین ملی، دریای آزاد یا سرزمین بلاصاحب پرتاب شود، از نقطه نظر حقوق بین‌الملل پرواز این وسایل پرنده در هر ارتفاعی داخل هوافضای ملی دولت متبوع، بر فراز دریای آزاد، بر فراز سرزمین بلاصاحب یا در فضای ماورای جو بدون ضرورت کسب اجازه از دولت‌های ثالث آزاد است.^۲

از طرف دیگر، به دلیل حاکمیت مطلق و انحصاری هر دولت، هیچ وسیله پرنده‌ای نمی‌تواند در داخل یا از طریق فضای پرواز ملی کشوری بدون کسب اجازه آن دولت پرواز کند. بنابراین، این اصل به نظر می‌رسد بدون اختلاف توسط دولت‌ها پذیرفته شده است.^۳

1. Lesley Jane Smith, Ruairidh J.M. Leishman, 'Up, up and Away: An Update on the UK's Latest Plans for Space Activities, Air and Space Law, Issue 1, 2019, p. 12.

۲. نواده توپچی، حسین، *حقوق بین‌الملل فضا*، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۸۴.

3. Cheng, B, *Studies in International Space Law*, Oxford: Clarendon Press, 1997, P. 330.

با وجود این، در برخی فعالیت‌های فضایی و پرتاب اشیای فضایی، عبور اشیای فضایی از قلمرو هوایی دولت‌های غیرپرتابگر امری غیرقابل اجتناب است، مخصوصاً عبور این اشیا در زمان رفت و برگشت از کشورهای همسایه دولت پرتابگر وجود دارد. حال که بررسی موضوع حاکمیت دولت‌ها در منطقه هوایی و فضایی و همچنین وضعیت حقوقی شیء فضایی به‌طور اجمال بیان شد، به سوابق و نظرات ارائه شده در خصوص عبور شیء فضایی از قلمرو هوایی دولت‌های دیگر پرداخته می‌شود.

۲.۳. اعمال صلاحیت فعالیت‌های فضایی در اسناد پنج‌گانه

در نیمه دوم دهه شصت و دهه هفتاد میلادی جامعه حقوقی بین‌المللی شاهد تدوین قواعدی الزام‌آور تحت یک سلسله پنج‌گانه از معاهدات تدوین شده به ابتکار کمیته مذکور نیز بود. این معاهدات به ترتیب انعقاد عبارت‌اند از: معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی ۱۹۶۷، موافقت‌نامه راجع به نجات و بازگشت فضانوردان و اعاده اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو ۱۹۶۸، کنوانسیون مربوط به مسئولیت بین‌المللی در مورد خسارت ناشی از اجسام فضایی ۱۹۷۲، کنوانسیون ثبت اشیای پرتاب‌شده به فضای ماورای جو ۱۹۷۵ و نهایتاً موافقت‌نامه حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در ماه و دیگر اجرام آسمانی ۱۹۷۹. تمامی معاهدات فوق به جز معاهده آخر منسوب به «معاهده ماه» با اقبال گسترده دولت‌ها مواجه شد.

برخی نویسندگان معاهده «منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای در جو، فضای ماوراء جو و زیر آب ۱۹۶۳» را نیز هم‌خانواده معاهدات فوق تلقی نموده‌اند. اگر چه این معاهده نیز مورد استقبال گسترده دولت‌ها قرار گرفت، با وجود این، از آنجا که برخی از قدرت‌های بالفعل یا بالقوه هسته‌ای عضو این کنوانسیون نگردیدند، نظام حقوقی حاکم بر موضوع معاهده مذکور دچار بحران گردید و با نگرانی‌های به وجود آمده ناشی از موارد نقض معاهده مسئله حائز پیچیدگی‌های افزونی نیز گردیده است.

معاهده آخری که به ابتکار سازمان ملل و با تلاش کمیته استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو (کوپوس) آن سازمان مدون و برای امضا مفتوح گردید، موافقت‌نامه حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در ماه و دیگر اجرام آسمانی ۱۹۷۹ موسوم به «معاهده ماه» است. معاهده مذکور با تنها

۱۵ سند تصویب و چهار امضا برخلاف دیگر معاهدات منعقد شده به ابتکار سازمان ملل نتوانست حمایت گسترده‌ای را از سوی دولت‌ها به نفع خود جلب نماید. شکست حقوقی معاهده ماه از شکاف حقوقی میان دولت‌های توسعه‌یافته صنعتی و در حال توسعه نشأت گرفته که با گذر زمان و با وجود تلاش‌های متعدد صورت گرفته، نه تنها ترمیم نیافت، بلکه رفته‌رفته رو به وخامت نیز گذارد و راه را بر همگامی تحولات حقوقی با رشد روزافزون فناوری فضایی بست. پس از توافق، درصد قابل ملاحظه‌ای از جامعه بین‌المللی بر سر مسائل و اصولی بسیار حائز اهمیت و بنیادین عصر طلایی حقوق فضای ماورای جو به ناگهان افول نموده، جامعه مذکور قدم پس نهاد. متعاقب بروز اختلاف‌نظرهای شدیدی که امکان هرگونه توافق الزام‌آور جدیدی را در قالب معاهده در خصوص مسائل مربوط به فعالیت‌های فضایی از دولت‌ها سلب می‌نمود، جامعه بین‌المللی ناامید از امکان انعقاد معاهده‌ای تازه با توسل به اسناد به اصطلاح حقوقی «نرم» و «غیرالزام‌آور» یا ایجاد قواعد تازه به طریق توافق ضمنی و به طریق عرف بین‌المللی عصر نوینی را در تاریخ حقوق بین‌الملل فضای ماورای جو آغاز نمود. روند تولید حقوق نرم در دوران دوری از معاهدات حقوق بین‌الملل فضای ماورای جو با اجتناب از تدوین معاهدات جدید و روی آوردن به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل (از جمله قطعنامه‌های ۳۷/۹۲، ۴۱/۶۵، ۴۷/۶۸ و ۵۱/۱۲۲) آغاز گردید. روند تازه به سهولت نیز مورد تأیید جامعه حقوقی قرار نگرفت و منتقدینی نیز داشت.^۱ جان‌مایه انتقاد این نویسندگان آن بود که معتقد بودند در فضای فاقد تعهدات الزام‌آور تنها بر پیچیدگی و ابهام حقوق و تعهدات قواعد موجود افزوده خواهد شد.^۲ اگر چه در این خصوص نیز می‌بایست گفت که حتی در تصویب همین اسناد غیرالزام‌آور و نرم نیز اختلاف‌نظرهای بسیار در مواردی مانع بزرگی در تدوین سند محسوب می‌گردید. مثال بارز در خصوص قطعنامه ۴۷/۶۸ مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «اصول راجع به استفاده از منابع انرژی هسته‌ای در فضای ماورای جو» مصوب ۱۹۹۲ میلادی است. روند مذاکره بر سر توافق و تصویب سند مذکور قریب به یک دهه به طول انجامید.^۳

1. Jose, Monserrat Filho & Alvaro, Fabricio, (2011), *Is There a Future for Space Law beyond «Soft Law»?* *Proceedings of International Institute of Space Law 2010*, P 234.

2. Nandasiri, Jasntuliyana, (1986) *Treaty Law and Outer Space: Can the United Nations Play an Effective Role?* *XI Annals of Air and Space Law*, P.219.

3. 24. UN GA Res. No. 47/68 (Principles Relevant to the Use of Nuclear Power Sources in Outer Space), 1992.

۲,۴. رابطه اعمال صلاحیت بر تأسیسات فضایی و حاکمیت دولت‌ها

برخلاف افراد، در زمینه نوع و نحوه اعمال صلاحیت بر فضاپیماها، تأسیسات و تجهیزات فضایی مقررات کامل‌تری در معاهدات حقوق فضای ماورای جو سازمان ملل وجود دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. معاهده فضای ماورای جو در چند ماده به مقوله صلاحیت و نحوه اعمال اختیارات حاکمیتی اشاراتی دارد. به عنوان نمونه، ماده ۶ این سند، دولت‌های عضو معاهده را به منظور فعالیت‌های ملی در فضای ماورای جو، اعم از آنکه این قبیل فعالیت‌ها توسط کارگزاری‌های دولتی یا نهادهای غیردولتی انجام شود، دارای مسئولیت بین‌المللی می‌داند. به عقیده برخی نویسندگان، اشاره این ماده به مسئولیت دولت‌های عضو خود، به معنی تأیید توانایی اعمال حاکمیت و اقتدار کشورها در فضای ماورای جو است؛ زیرا بسیار شگفت‌آور خواهد بود، اگر کشوری از نظر بین‌المللی مسئول فعالیت‌های مؤسسات دولتی و غیردولتی خود شناخته شود؛ درحالی که حق اعمال اقتدار رسمی و کنترل مؤثر بر آنها را نداشته باشد.^۱ اما ماده ۶ در خصوص اینکه در صورت ورود خسارت، مسئولیت بین‌المللی متوجه کدام‌یک از دولت‌های دخیل در امر فرستادن شیء فضایی خواهد بود، ترتیبات خاصی ندارد. البته این مسئله در ماده ۷ ذکر شده است.

مطابق این ماده، «هر دولت عضو معاهده که اقدام به پرتاب یا سفارش پرتاب شیء به فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی می‌کند و هر دولت عضو که شیء از قلمرو یا تأسیسات آن پرتاب می‌شود، در قبال خساراتی که شیء مزبور یا قطعات تشکیل‌دهنده آن در زمین، هوا یا فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی به دیگر دولت عضو معاهده یا اتباع حقیقی و حقوقی آن وارد می‌آورد، از نظر بین‌المللی مسئول بدون تقصیر است». البته ممکن است ایراد شود که مجموعه مادتين ۶ و ۷ معاهده را نمی‌توان به عنوان مواد انحصاری تعیین‌کننده صلاحیت در معاهده فضای ماورای جو به شمار آورد؛ زیرا مواد مذکور فقط به تعیین دولت مسئول و نحوه جبران خسارت اختصاص دارند. این نظر، از آن رو تقویت می‌شود که معاهده در ماده ۸ به صراحت در خصوص مسئله دولت صاحب صلاحیت، تعیین تکلیف کرده است. مطابق این ماده از معاهده، «هر دولت عضو معاهده که یک شیء پرتاب شده به فضای ماورای جو به نام آن ثبت شده است، صلاحیت و نظارت بر شیء مزبور و هر پرسنل سوار بر آن را در

۱. نواده توپچی، حسین، *حقوق بین‌الملل فضا*، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۶۲.

طی حضور در فضای ماورای جو یا یک جرم آسمانی حفظ می‌کند. مالکیت اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو، شامل اشیایی است که بر یک جرم آسمانی فرود آمده یا بر روی آن ساخته شده‌اند و اجزای آنها از حضورشان در فضای ماورای جو یا بر روی یک جرم آسمانی یا بازگشت آنها به زمین متأثر نمی‌شود. در صورتی که چنین اشیایی در ورای مرزهای دولت عضو معاهده که آنها را ثبت کرده است، یافت شود، به آن دولت عضو بازگردانده خواهند شد.^۱

اگر مقررات ماده ۸ در کنار ترتیبات ماده ۱۲ معاهده قرار گیرد، مشخص می‌شود که معاهده فضای ماورای جو به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در حقوق فضا نه تنها اعمال امتیازات و حقوق حاکمه را در فضا منسوخ نکرده، بلکه به صراحت بر آنها صحه گذارده است. بر اساس ترتیبات ماده ۱۲، تمامی ایستگاه‌ها، تأسیسات، تجهیزات و وسائل نقلیه فضایی بر روی ماه و دیگر اجرام آسمانی بر مبنای عمل متقابل برای بازدید به روی نمایندگان دیگر دولت‌های عضو معاهده باز است، اما این نمایندگان برای انجام بازدیدهای مورد اشاره در ماده، ابتدا باید قصد خود مبنی بر انجام چنین بازدیدهایی را در یک آگهی منطقی قبلی اعلام نمایند تا دولت صاحب صلاحیت بتواند احتیاط کند. از آن مهم‌تر اینکه بازدیدها نباید به نحوی انجام گیرد که در عملکرد معمول تأسیسات مورد بازدید، اختلال ایجاد کند.^۲ «کنوانسیون مربوط به مسئولیت بین‌المللی درمورد خسارت ناشی از اجسام فضایی»^۳ نیز در ماده ۲ خود، دولت پرتاب‌کننده را مسئول خسارات واردشده توسط اجسام فضایی متعلق به وی دانسته است که به فرض پذیرش استدلال مطرح‌شده در صفحات پیش، می‌توان آن را اشاره‌ای غیرمستقیم در تعیین دولت صاحب صلاحیت در کنوانسیون مسئولیت به شمار آورد.

«کنوانسیون ثبت اشیای پرتابی به فضای ماورای جو» نیز در مواد ۱ و ۲ دولت پرتاب‌کننده شیء به فضای ماورای جو را مسئول ثبت آن معرفی می‌کند. دلایل متعددی ثبت اشیای فضایی را ضروری می‌کند که توضیح درمورد آنها از حوصله این تحقیق خارج است. اما بدون تردید یکی از مهم‌ترین آنها شناسایی دولت صالح برای کنترل و اعمال صلاحیت بر آن شیء فضایی است.

۱. ساعد، نادر، *حقوق بین‌الملل معاصر (نظریه‌ها و رویه‌ها)*، تهران: جلد ۲، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵، چاپ دوم، ص ۲۲۲.

2. Convention on the International Liability for Damage Caused by Space Objects, Signed: March 29, 1972, Entered into force: September 1, 1972.

بدین ترتیب، در مقام جمع‌بندی مطالب این قسمت می‌توان مدعی شد که حقوق بین‌الملل فضا در شکل و صورت کنونی خود، اعمال حقوق حاکمیتی را در فضا به طور کامل ممنوع نمی‌کند و امروزه اقتدار کامل و انحصاری هر کشور بر فضاپیماها، تأسیسات و تجهیزات خود در اسناد بین‌المللی مربوط و همین طور عرف بین‌المللی امری پذیرفته شده است. به دیگر بیان، اعمال صلاحیت انحصاری دولت بر دارایی‌ها و اتباع خود در فضای ماورای جو، در حکم اعمال حاکمیت سرزمینی خواهد بود که در حقوق فضا با هیچ ممنوعیتی روبه‌رو نیست.^۱ در نتیجه، ماده ۲ معاهده فضای ماورای جو، اعمال حقوق حاکمیتی در فضا را منسوخ نکرده، در معنای تصاحب سرزمین و بهره‌برداری انحصاری از ذخایر و «اختصاص ملی» است و تنها منابع موجود در فضای ماورای جو، مشمول ممنوعیت‌های موردنظر در معاهده فضای ماورای جو قرار می‌گیرد. دولت‌ها در فضای ماورای جو نیز مجاز به اعمال اختیارات عالیّه خود هستند و از آغاز عصر فضا نیز به همین ترتیب عمل نموده‌اند؛ همان‌طور که در دریاهای آزاد و در مناطق هوایی بالای دریاهای آزاد، عملکرد پیوسته و مداوم دولت‌ها مؤید همین مطلب است. سلف دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده لوتوس به این موضوع اشاره دارد و به عنوان یک اصل کلی اعلام می‌دارد: «اعمال حاکمیت دولت‌ها در خارج از آب‌های سرزمینی، مبتنی بر صلاحیت دولت‌ها در اعمال اختیارات حاکمیتی است.»^۲

۳. فعالیت‌های فضایی دولت‌ها در اصول حقوق بین‌الملل فضا

اسناد بین‌المللی حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها، مرز بین فضای (که در قلمرو فضایی دولت مربوطه است) و فضای ماورای جو (که برای اکتشافات فضایی کلید دولت‌ها آزاد است) را مشخص نمی‌کند. چنین مرزهایی در آینده بر مبنای موافقت‌نامه‌های صحیح چند جانبه‌ای که مطابق با مقررات عرفی و یا حقوق بین‌المللی باشد، باید تدوین و تصویب شوند.^۳

۱. حسینی، محمدرضا، بررسی هنجارهای حقوقی در زمینه ممنوعیت تسلیحات فضاپایه، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۰، ۱۴(۳۸)، صص ۱۹۳-۲۱۹.
۲. محمودی، سید هادی، تصویربرداری ماهواره‌ای در حقوق بین‌الملل، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۷، ص ۷۱.
۳. محمدیان، بهروز، «طراحی لینک ماهواره‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فنی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۵۶.

در خصوص اصل کشف و استفاده از فضا و کرات آسمانی بر طبق اصول اساسی حقوق بین‌المللی، باید بیان کرد که آیا پیروزی‌های عظیم تکنولوژی و علمی عصر ما فوایدی برای تمام کشورها به ارمغان می‌آورد یا آنکه مصیبتی غیر قابل پیش‌بینی برای بشر به بار خواهد آورد؟

جواب این سؤال بستگی به این دارد که تا چه حد و به چه نحو، اصول حقوق بین‌الملل که شامل منشور سازمان ملل نیز می‌شود، نه فقط بر سطح زمین، بلکه در فضا نیز رعایت شود. در اکتشافات فضایی، دولت‌ها باید اولاً و مقدمتاً در مورد اصول اساسی حقوق فضا مانند اصل عدم توسل به زور حل اختلاف به طریق مسالمت‌آمیز، تحریم تبلیغات جنگی و خلع سلاح، راهنمایی شوند. اصل عدم توسل به زور یک اصل شناخته شده جهانی حقوق بین‌المللی است که حوزه عملیات آن شامل فعالیت‌های دول در فضا نیز می‌شود. این اصل نه فقط ممانعت ایجاد نمی‌کند، بلکه بالعکس متضمن پذیرش اصول قوانین مخصوصی است که شرایط منشور سازمان ملل را تحکیم می‌نماید و توسل به زور و تجاوز در فضا استفاده صلح‌آمیز از فضا را عملاً غیر ممکن می‌سازد. ایفاگر چنین نقش مهمی در احتراز و جلوگیری از تجاوز می‌تواند یک موافقت‌نامه بین‌المللی یا یک سند بین‌المللی باشد که جاسوسی از فضا را ممنوع می‌سازد. اصل عدم تجاوز به هیچ وجه مانع استفاده از فضا برای حمله متقابل به عنوان دفاع در مقابل متجاوز نیست.^۱

به عبارت دیگر، استفاده از فضا برای مقاصد نظامی در صورتی که بر طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل باشد، ممنوع نیست؛ زیرا ماده ۵۱ اجازه دفاع یک یا چندجانبه را به هنگامی که دولتی مورد تجاوز قرار گیرد، داده است. تلاش برای این ماده به هیچ عنوان قابل اغماض نخواهد بود؛ به عنوان مثال می‌توان به گفته بعضی حقوق‌دان‌های آمریکایی استناد کرد که عضویت در سازمان ملل به معنی انصراف از حق عرفی در پیشگیری یا دفاع در مقابل تجاوز نیست.

ماده ۵۱ منشور ملل متحد، صریحاً چنین مشاجراتی را مردود می‌شناسد و حق دفاع را فقط در صورت حمله مسلحانه مجاز می‌داند، ولی تحت عنوان «دفاع»، هیچ کشوری حق ندارد دست به عملیاتی بزند که به منظور جلوگیری از حمله احتمالی باشد. به هر حال، این ماده دولت‌ها را از حق خود که برای حفظ امنیت خویش باید تدابیر اساسی اتخاذ نمایند؛ مانند آنچه که در فصل

۱. ژوکف، جپ، **اصول اساسی حقوق فضا**، ترجمه محمود حیدریان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۱، شماره‌های ۱۱، ۱۰، ۹، ص ۷۲۶.

هفتم در منشور سازمان ملل ذکر شده است (عملیات در مقابل تهدید یا به مخاطره افتادن صلح، نقض صلح، و عملیات تعرضی)، باز نمی‌دارد.^۱

حقوق دان اتریشی، فازان،^۲ طرف‌دار قانونی نمودن دفاع در فضا، همچنین دفاع در مقابل حمله‌ای که از داخل یا خارج از فضای ماورای جو می‌شود، می‌باشد و معتقد است که توجیه حمله به سوی زمین مستلزم تلافی و حمله به کرات آسمانی نیست، حتی اگر دشمن پایگاهی در آن کره داشته باشد. چنین نتیجه‌گیری فقط از توجهات بشردوستانه ناشی می‌شود و تا زمانی که موافقت‌نامه‌های بین‌المللی صحیحی تصویب نشده باشد، قابل اجرا نیست. شرایط منشور سازمان ملل راجع به توفیق و حل مسالمت‌آمیز اختلافات (قسمت ۳ از ماده ۲ فصل ۶)، مربوط به اختلافاتی است که امکان دارد بین دو دولت در حین اکتشافات فضایی ایشان در مورد ماه و دیگر کرات آسمانی ایجاد شود. مللی که به فعالیت‌های فضایی اشتغال دارند، موظف‌اند که اختلافات خود را فقط از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند. برگزیدن طرق صلح‌جویانه برای تصفیه و حل اختلافات به کشورهای مربوط واگذار شده است. این نکته در طرح پیمان شوروی در اصول حاکمه بر فعالیت‌های ملل برای اکتشاف و استفاده از فضا، یعنی ماه و دیگر کرات آسمانی، صریحاً ذکر شده است. با وجود آنکه شرایط این طرح شوروی در متن نهایی پیمان گنجانده نشد، ولی بدون شک در تدوین موافقت‌نامه‌های بین‌المللی برای اکتشافات صلح‌جویانه فضایی ایفاگر نقش مهمی خواهد بود. اصل عدم تجاوز شامل ممنوعیت جنگ‌های تجاوزکارانه و تهدید یا استفاده از قدرت در روابط بین‌المللی می‌شود، ولی مستقیماً مانع اقدامات ایدئولوژیکی برای نبردهای تعرضی نمی‌گردد. بلکه عمل اخیر در اصل «ممنوعیت تبلیغات جنگی» گنجانده شده است. به موجب این اصل، سازمان‌های دولتی از نشر تبلیغات برای جنگ نهی شده و موظف‌اند که سازمان‌های غیر دولتی و نیز افراد را از این عمل باز می‌دارند. موافقت‌نامه ۳ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل، انواع تبلیغات را که صریحاً یا تلویحاً محرک یا مشوق هر گونه تهدیدی برای صلح، نقض صلح یا تجاوز باشد، به وسیله هر کشوری که رهبری گردد، محکوم می‌کند. اصل ممنوعیت تبلیغات جنگی در حال حاضر که ماهواره‌های مخابراتی برای تقویت

۱. خسروی، مجید، *هوا و فضا از دیدگاه حقوقی*، جلد ۱، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۷۷.

2. Fasan.

برنامه‌های رادیو تلویزیونی به کار می‌رود، اهمیت خاصی پیدا کرده است. در اکتشافات فضایی، ملل باید توسط «اصل ممنوعیت تبلیغات جنگی» راهنمایی شوند. ارتباطات با کمک ماهواره‌های مصنوعی باید برای توسعه روابط بین‌المللی دوستانه به کار رود و فقط اطلاعات حقیقی را انتشار دهد.

حالا دقیقاً روشن می‌شود که چرا اعلامیه ۱۹۶۳ در اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های دول در اکتشافات و استفاده از فضا و متعاقب آن معاهده، در مورد اصول حاکم بر فعالیت‌های دول در اکتشافات و استفاده از فضا یعنی ماه و دیگر کرات آسمانی، این نکته را یادآور می‌شود که موافقت‌نامه مجمع عمومی به تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۴۷ که تبلیغات جنگ را چنانچه محتمل بر تحریک و تشویق هر نوع تهدید صلح، نقص صلح یا تجاوز در فضا ماورای جو باشد، محکوم می‌کند.

اصل منع تبلیغات جنگ، چنان تنظیم شده است که از هر گونه تبلیغات ایدئولوژیکی برای جنگ، حتی تبلیغات ملی، نژادی یا ایجاد دشمنی بین‌الملل باشد، جلوگیری به عمل آورد. تبلیغات برای ایجاد تنفرات ملی و نژادی و دشمنی بین‌الملل در مجمع بین‌المللی برای رفع انواع تبعیضات نژادی که در بیستمین اجلاس مجمع عمومی در سال ۱۹۶۵ به تصویب رسید، محکوم شناخته شده است. اصل خلع سلاح در حقوق بین‌المللی، مخصوصاً در مورد تنظیم مقررات حقوقی سیستم فضایی نقش مهمی را ایفا می‌نماید. این اصل به وسیله ماده ۱۱ منشور سازمان ملل و موافقت‌نامه شماره ۱۳۷۸ در چهاردهمین اجلاس مجمع عمومی که مربوط به خلع سلاح عمومی و کامل و مصوب ۳۰ نوامبر ۱۹۵۹ می‌باشد، تضمین شده است. اجرای این اصل مستلزم انعقاد موافقت‌نامه خاص بین‌الملل در مورد خلع سلاح تحت نظارت دقیق بین‌المللی در هر یک از مراحل آن است. تحریم تجاوز یا به عبارتی دیگر خلع سلاح کامل و عمومی نتیجه طبیعی توسعه اصل عدم تجاوز است. تحریم وسائل تجاوز مسلحانه مستلزم استقرار یک نظام بی‌طرفانه و غیرنظامی در فضای ماورای جو است؛ یعنی ممنوعیت استفاده از فضای ماورای جو برای مقاصد نظامی و این مسئله موجب می‌شود که اصل استفاده از فضای ماورای جو منحصرأً برای مقاصد صلح‌جویانه مورد تأیید حقوق فضا قرار گیرد.

۴. تدابیر حقوق بین‌الملل در پیشگیری از فعالیت نظامی در فضا

موضوع دیگری که ممکن است رعایت قوانین درگیری‌های نظامی در جنگ فضایی را پیچیده‌تر کند، مربوط به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه است. در جنگ‌های زمینی و هوایی، طرف‌های

مخاصمه و وظیفه دارند تدابیر پیشگیرانه^۱ لازم در هنگام حمله ماده ۵۷ (API) و در مقابل تأثیرات حمله ماده ۵۷ API اتخاذ نمایند. ماده ۵۷ API در کنار قوانین دیگر متذکر می‌شود که اهداف حملات نباید هدف‌های غیرنظامی باشند. ماده ۵۸ API شامل لزوم جدا کردن اهداف غیرنظامی تحت کنترل از اهداف نظامی است. در حالی که وظیفه^۲ پیشین ممکن است توسط قرارداد ثبتي تسهیل گردد. این حقیقت که یک بخش نسبتاً بزرگی از دارایی‌های فضایی از کاربرد دوگانه یا پتانسیل آن برخوردارند، موضوع را پیچیده و بغرنج می‌کند. این طبقه‌بندی از دارایی‌ها، جدا کردن عملکردهای نظامی از غیرنظامی را واقعاً غیرممکن می‌سازد. به علاوه، این احتمال نمی‌تواند کنار گذاشته شود که یک روز جنگ فضایی ممکن است به همان صورتی که جنگ دریایی پیشرفت کرده است، پیش رود.^۱

سن رمو^۲ وارد کردن لزوم تدابیر پیشگیرانه در مقابل تأثیرات حملات در جنگ دریایی را مشخص نکرده است. این نکته به صورت بحث‌برانگیز نشان می‌دهد که وزن بیشتری روی طرف حمله‌کننده در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه گذاشته شده است و احتمال دارد به یک قانون مشابه برای جنگ فضایی (با توجه به تعداد زیاد دارایی‌ها که کاربرد دوگانه دارند) ختم شود. طبق قوانین کاربردی مخاصمات مسلحانه اگر در نبرد فضایی، بی‌طرفی یکی از دارایی‌های فضایی به هر نحو زیر سؤال برود و خلاف آن ثابت شود، آن دارایی محکوم به خیانت است و طرف مقابل می‌تواند به آن به چشم یک هدف نظامی نگاه کند.^۳ برای نمونه می‌توان وضعیت غیرنظامی را که به طور مستقیم در بند ۳ ماده ۳۷ (API) ذکر شده است، بیان نمود. مثالی که در این باره توسط اسمیت آورده شده است، به این مسئله می‌پردازد که ممکن است دارایی‌های نظامی که به عنوان غیرنظامی ثبت شده است، به دشمنی‌ها دامن زند و آنها را تشدید کند. از این‌رو، وضعیت غیرنظامی فی‌نفسه پیمان‌شک نیست، اما یک قانون جدید لازم است تا پیمان‌شکنی را تفسیر کند. اسمیت از معیار «تسهیلات حمله» استفاده می‌کند تا به این موضوع ماهیت ببخشد. با این حال، دولت‌ها باید دقت کنند که مسئله علیت را به طور افراطی دنبال نکنند. هنوز باید یک نتیجه

1. Friedmann, W, (1963), *National Sovereignty, International Cooperation and the Reality of International Law*, Law Review, Vol. 10, p. 737.

2. San Remo.

3. Fleck, D, *the hand book of humanitarian law in armed conflicts*, Oxford, Oxford University Press, 1995.

قطعی از کشتن و صدمه رساندن به عنوان یک نتیجه (مستقیم) از عمل پیمان شکنی وجود داشته باشد تا مشمول منع ماده ۳۷ شود.

۵. ضمانت صلح آمیز بودن فعالیت‌های فضایی دولت‌ها

بر اساس اعلامیه اصول استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو که مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد است، هیچ دولتی نمی‌تواند بر فضا ادعای مالکیت نماید یا چنین حاکمیتی را اعمال کند. در واقع فضا به عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت^۱ تلقی می‌گردد. بنابراین، استفاده و بهره‌برداری از فضا متعلق به جامعه بین‌المللی و بشریت است و باید متناسب با منافع بشریت مورد استفاده آزادانه و برابر همه دولت‌ها قرار گیرد. باید توجه داشت که این استفاده، محدود به مصارف منحصرأ صلح‌آمیز است و هیچ دولتی نمی‌تواند از آن استفاده نظامی نماید. با این حال، تاکنون آمریکا و روسیه، به کرات، موشک‌های خود را در فضا آزمایش کرده‌اند و هیچ تضمینی برای اینکه این دولت‌ها مجهز به فناوری موشکی، در جنگ‌های فضایی آینده از این فناوری برای نظامی کردن فضا و از فضا برای اقدام علیه امنیت ملی سایر دولت‌ها استفاده نمایند، وجود ندارد. از این رو، داشتن توان مقابله با این فناوری می‌تواند تضمینی برای استفاده صرفاً صلح‌آمیز از فضا و همچنین تعدیل برنامه‌های نظامی فضایی این دولت‌ها و در نتیجه کاهش انگیزه سوءاستفاده از فضا برای مقاصد نظامی باشد.^۲

از طرف دیگر، داشتن توان موشکی لازم برای تضمین امنیت ملی در برابر حمله نظامی فضایی یا هرگونه تهدید دیگر از اجرام آسمانی و به ویژه مقابله با ماهواره‌های جاسوسی، نوعی استیفای حق دفاع مشروع است که به صورت کلی در ماده ۵۱ منشور ملل متحد پیش‌بینی شده است.

در صورتی که برخی دولت‌ها قدرت انحصاری نظامی از طریق فضا را دارا باشند یا با استفاده از ماهواره‌های جاسوسی درصدد تضعیف امنیت ملی کشورهای دیگر باشند، کشورهای در معرض خطر، حق خواهند داشت با مجهز کردن خود به فناوری موشک‌های دفاعی نظامی از امنیت ملی خود در برابر آثار این‌گونه حملات، دفاع نمایند. ضمن اینکه داشتن این توان موجب بازدارندگی

1. Common Heritage Of Mankind.

۲. ساعد، نادر، *حقوق بین‌الملل معاصر (نظریه‌ها و رویه‌ها)*، جلد ۲، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۵، صص ۲۴۶-۲۴۵.

دولت‌های دارای این فناوری در جنگ‌های احتمالی آتی خواهد بود. بنابراین، برطبق قوانین مسلم حقوق بین‌الملل و همچنین منشور سازمان ملل متحد، دفاع در برابر هرگونه حمله‌ای که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها را در معرض تهدید قرار دهد، خواه اقدام مذکور فضایی باشد یا خیر، ضروری است و این ضرورت محدودیت نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

مفهوم حاکمیت و به طور خاص، حاکمیت سرزمینی، به معنای در دست داشتن مالکیت و کنترل قطعه‌ای از سرزمین به نفع دولت حاکم است و کار ویژه حاکمیت نیز جلوگیری و ممانعت از طرح ادعاهای مالکانه مشابه از سوی سایر دولت‌هاست. به دیگر بیان، اعمال حقوق مالکانه و انتفاع از منابع موجود در کرات آسمانی از رهگذر ادعاهای حاکمیتی، خود متضمن جلوگیری از بهره‌وری سایر دولت‌ها از این منافع است؛ زیرا چنان که اشاره شد، حاکمیت، اختیار و امتیازی انحصاری و اشتراک‌ناپذیر است. بدین ترتیب، اگر دولتی خود را به واسطه حاکم بودن، مالک بخشی از فضا قلمداد کند، به طور مشروع حق خواهد داشت تا مانع بهره‌برداری دیگر دولت‌ها از آن مناطق شود. اما این دقیقاً همان نکته‌ای است که در معاهده فضای ماورای جو مشمول ممنوعیت شده است. نتیجه این ممنوعیت آن است که حتی دولت‌هایی که در مناطقی از فضای ماورای جو مشغول انجام کاوش و فعالیت‌اند، نظر به مسبوق نبودن این فعالیت‌ها به تصرفات مالکانه، نمی‌توانند از ورود سایر دولت‌ها به آن مناطق جلوگیری کنند. اما دامنه ممنوعیت مندرج در معاهده فضای ماورای جو تا بدانجا پیش نمی‌رود که مالکیت دولت‌ها بر تجهیزات و تأسیسات را نیز دربرگیرد و از این قرار، تسلط حاکمانه دولت‌ها بر این دارایی‌ها در مناطق ورای صلاحیت ملی نیز مستقر خواهد ماند.

در زمینه استفاده نظامی از فضا می‌توان بیان کرد که ایجاد نظم و مقررات برای نظارت بر فعالیت‌های دولت‌ها در فضای ماورای جو نقش حیاتی دارد. در اواخر سال ۱۹۶۰، فعالیت‌های فضایی از هیچ ارزش نظامی برخوردار نبود، اما امروزه، حداقل ۷۵ درصد از اشیای پرتاب شده به فضا با هدف تأمین نیازمندی‌های بخش نظامی انجام می‌گیرد. بدون شک، فعالیت نظامی در فضا احتمال بروز جنگ را افزایش می‌دهد. در چند دهه اخیر، برخی کشورها، نظامی‌سازی فضا و به تبع آن استفاده از تسلیحات فضاپایه را به عنوان بخشی از استراتژی امنیت ملی خود در اولویت قرار داده‌اند که این روند موجبات تهدید و نقض صلح و امنیت را فراهم می‌سازد. به طور کلی، می‌توان بیان کرد که تحقیقات و فعالیت‌های گسترده‌ای که توسط دولت‌ها، به صورت آشکار و پنهان و با نیت صلح‌آمیز و با هدف شناسایی علمی فضا صورت می‌گیرد، اهداف و مفاهیم صریح نظامی و امنیتی دارد. استفاده نظامی از فضا بخشی از استراتژی امنیت ملی

دولت‌ها شده است و منابع فضایی در راستای تأمین امنیت ملی و برنامه‌های فضایی کشورهای پیشرفته و ابرقدرت‌ها رگ حیاتی به شمار می‌آید.

با وجود این، سیستم جاری ایجاد شده در معاهده فضایی و مقررات کنوانسیون مسئولیت با واقعیت‌های اقتصادی حقوقی واقعیت‌های فعالیت‌های فضایی در مدار منطبق نیست. جهانی شدن خطرات، طراحی منطقی مأموریت‌ها، تسهیم هوشمندانه اطلاعات و کمک‌های فنی باید جایگزین مسئولیت قدیمی معاهدات فضایی شود. از این جنبه، صدور مجوز و نظارت می‌تواند به مقام بین‌المللی واحد سپرده شود و می‌تواند از مزایای مدیریت منسجم برخوردار شود. لکن باید توجه داشت که دولت‌های متعاقد باید تعهداتشان را تحت ماده ۶ معاهده فضای ماورای جو انجام دهند.

فضا متعلق به همه است و سوءاستفاده و غارت آن به معنی تعدی به حقوق همگانی است، پس پیشنهاد می‌شود که شکاف توانایی فناوری میان کشورها بسیار زیاد شده است و این منجر به عدم برابری کشورها در بهره‌برداری از فضا خواهد شد. بنابراین، اصل حاکمیت برابر و تساوی کشورها باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. زباله‌های فضایی می‌تواند به منابع همگانی خسارات زیادی وارد کند که برای حل مشکلات ناشی از آن و برای پرداخت خسارات وارده باید قوانین ملی و بین‌المللی فراگیری ایجاد شود و همگان ملزم به رعایت آنها شوند. به طور کلی، تمام راهکارهای ارائه شده باید مطابق با حقوق بین‌الملل باشد و موجب امنیت سرمایه‌گذاری خصوصی گردد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. آشوری، داریوش، *دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*، جلد ۱، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۷.
۲. خسروی، مجید، *هوا و فضا از دیدگاه حقوقی*، جلد ۱، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۳. ساعد، نادر، *حقوق بین‌الملل معاصر (نظریه‌ها و رویه‌ها)*، جلد ۲، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۴. محمودی، سید هادی، *تصویربرداری ماهواره‌ای در حقوق بین‌الملل*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۷.
۵. نواده توپچی، حسین، *حقوق بین‌الملل فضا*، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳.

مقاله

۶. ژوکف، جپ، *اصول اساسی حقوق فضا*، ترجمه محمود حیدریان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۱، شماره ۱۱، ۱۰، ۹.
۷. حسینی، محمدرضا، *بررسی هنجارهای حقوقی در زمینه ممنوعیت تسلیحات فضاپایه*. پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۰، ۱۴ (۳۸).
۸. اشرافی، داریوش، *تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تاثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی*. پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۳، ۱۵ (۴۲).
۹. کاظمی، حمید، *بررسی موضع حقوق بین‌الملل در مورد عبور اشیای فضایی از فراز قلمرو دولت‌ها*، فصلنامه علوم و فناوری فضایی، ۱۳۹۳، دوره ۳، شماره ۷.

پایان‌نامه

۱۰. محمدیان، بهروز، «طراحی لینک ماهواره‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فنی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

ب) منابع انگلیسی

Books

11. Cheng, B, *Studies in International Space Law*, Oxford: Clarendon Press, 1997.
12. Cheng, B, *The Law of International Air Transport*, London: Stevens, 1962.
13. De Roos, Th, *Disciplinary and Criminal Law in Space, The International Space Station: Commercial Utilisation from a European Legal Perspective*, Martinus Nijhoff Publishers, 2006.
14. Fleck, D, *the hand book of humanitarian law in armed conflicts*, Oxford, Oxford University Press, 1995¹- Jose, Monserrat Filho & Alvaro, Fabricio, (2011), *Is There a Future for Space Law beyond «Soft Law»?*, Proceedings of International Institute of Space Law 2010.
15. Nandasiri, Jasntuliyana, (1986) *Treaty Law and Outer Space: Can the United Nations Play an Effective Role?*, XI Annals of Air and Space Law.
16. UN GA Res. No. 47/68 (*Principles Relevant to the Use of Nuclear Power Sources in Outer Space*), 1992.
17. Walzer, M, *Just and Unjust Wars*, New York, Basic Books, 3th ed, 2000.

Articles

18. Friedmann, W, “National Sovereignty, International Cooperation and the Reality of International Law”, *Law Review*, Vol. 10, 1963.
19. Goedhuis, D, “Legal Aspects of the Utilization of Outer Space”, *17th Netherlands International Law Review*, 1970.
20. Hobe, S, “Cologne Commentary on Space Law”, *Karl Heymanns Verlag*, Vol 1, 2009.
21. Korovin, E, “La Conquête de la Stratosphère et le Droit International”, *Revue Générale de Droit International Public Paris*, Vol. 41, No. 6, 1934.
22. Lesley Jane Smith, Ruairidh J.M. Leishman, “Up, up and Away: An Update on the UK’s Latest Plans for Space Activities”, *Air and Space Law*, Issue 1, 2019.
23. Paikowsky, Deganit, Baram, Gil and Ben-Israel, Isaac, “Trends in space activities in 2014: The significance of the space activities of governments”, *Acta Astronautica*, Volume 118, 2016.
24. Richards P.J, and Schmitt, M.N, “Mars Meets Mother Nature: Protecting the Environment during Armed Conflict”, *Staston L. Rev*, Vol 28, 1999.
25. Simone Tholens, “Border management in an era of ‘statebuilding lite’: security assistance and Lebanon's hybrid sovereignty”, *International Affairs*, Volume 93, Issue 4, 2017.